

کنت دو مونت فورت

نخستین رئیس پلیس ایران

در سال ۱۲۹۵ هجری قمری ، برابر ۱۸۷۸ میلادی ، ناصرالدین شاه از فرانسوا ژرف امپراتور اتریش در خواست کرد چهار تن را که در فن سپاهیگری دانا و ورزیده باشند برای خدمت در ایران اعزام دارد . امپراتور اتریش چنین کرد و چهار نفر را که هر کدام در رشته‌های اذفنون نظامی تخصص داشت به تهران فرستاد . یکی از افراد این هیأت کنت دو مونت فرت Conte de Monteforte بود . کنت در سال ۱۲۵۵ هجری برابر ۱۸۳۹ میلادی در شهر ناپل تولد یافته بود و در جوانی به سپاهیان فرانسوای دوم پادشاه دوسیسیل پیوسته بود .

در سال ۱۸۶۰ میلادی مطابق ۱۲۷۷ هجری میان فرانسوای دوم و طرفداران گاریبالدی جنگی اتفاق افتاد . این جنگ که کنت نیز در آن شرکت داشت به شکست فرانسوای دوم پایان یافت و او با بیست تن از افسرانش که به وی وفادار مانده بودند به اتریش پناه برد . امپراتور اتریش که خواهر زن فرانسوای دوم را بزنی داشت و بدین گونه باوی هم پیوند بود او و همراهانش را به مهر بانی پذیرفت .

کنت به شرحی که گذشت پس از چندین سال اقامت در اتریش در سال ۱۲۹۵ هجری به ایران آمد و ناصرالدین شاه وی را مأمور تشکیل سازمان تنظیمه و تنظیم نظامنامه آن نمود .

کنت دو مونت فرت در سال ۱۲۹۶ هجری قانون جامعی برای پلیس ایران تنظیم کرد و به تصویب شاه رساند و مأمور اجرای آن شد . او که هوشمند و کاردان بود پس از مدتی بر اثر کوشش در حراست شهر و نظم بخشیدن به امور مورد توجه خاص شاه قرار گرفت ، چنانکه روزی ناصرالدین شاه به مناسبت شایستگی و کفایتی که بارها از او دیده بود این رباعی را گفت و به وی فرستاد :

اندیشه کنند خیل رندان ز پلیس يك جو نرود به خرج ایشان تلبیس
در کنده کنت فرت خواهد فرسود در چرخ اگر خطا نماید برجیس

کنت در بدو ورود به تهران در خانه‌ای واقع در سر تخت بر بریها پشت پارک ظل السلطان ساکن شد ؛ اما پس از مدتی چون شاه را بیش از آنچه توقع و امید داشت به خود مهربان دید بر آن شده که تا پایان عمر در ایران بماند و چون آن خانه را فراخور حال و مقام خویش ندید زمین نسبتاً وسیعی در شمال خیابان لاله‌زار جایی که امروز جزئی از آن به نام وباد او چهار راه کنت نامیده می‌شود از حاج ابراهیم خان ظهیرالدوله خرید ؛ باغ بزرگ و زیبایی آراست و پس از اینکه عمارت باشکوهی در میان آن پرداخت با زن و دو پسر و يك

دخترش بدانجا نقل مکان کرد .

کنت همیشه مورد احترام و اعتماد ناصرالدین شاه بود ، او را نظم الملك لقب داد ؛ همه بزرگان ایران وی را می شناختند و نامش بر سر زبانها بود . نوشته اند روزی در محفلی کسی کاردانی و لیاقت وهوشیاری کنت را به مبالغه می ستود ؛ یکی پرسید اگر کنت بحقیقت چنین سراوار و نامبردار است چگونه در قرآن کریم که به فحواى لارطب ولا یابس الا فی کتاب مبین از همه چیز در آن سخن رفته ذکرى از وی در میان نیامده است . آن کس بفرور پاسخ داد یالیتنى کنت ترا با اشارت به اوست !

میرزا ابوتراب خان خواجه نوری معروف به نظم الدوله متولد به سال ۱۲۸۸ هجری که زبان فرانسوی را نیکومی دانست . معاون کنت دومونت فرت بود وهم او بود که میرزارضاخان کرمانی کشته ناصرالدین شاه را استنطاق کرد . کنت چون در ایران زندگی آرام و پرآسایشی داشت و در میان درباریان و بزرگان دوستان فراوان یافته بود و محترم بود پس از چند سال اقامت مایل به تابعیت ایران شد و چند بار از شاه اجازت و فرمان طلبید .

از دو نامه ای که رونویسی آن به دنبال آورده می شود نخستین ، عریضه ایست که کنت در تقاضای تابعیت ایران به ناصرالدین شاه نوشته و دستور شاه به صدراعظم دایر به قبول تقاضای کنت ؛ و نامه دوم عریضه اوست به مظفرالدین شاه در مطالبه طلبی که از کامران میرزا نایب السلطنه پسر ناصرالدین شاه داشته است .

کنت دو مونت فرت از سال ۱۲۹۶ هجری تا پایان عمرش در ایران ماند اما دوران وزارت نظمیّه او تا سال ۱۳۰۹ هجری بیشتر دوام نیافت و از آن پس علیرغم میل باطنی ناصرالدین شاه به کارهای تشریفاتی از جمله راهنمایی سفیران خارجی به دربار واموری از اینگونه مأمور شد . توضیح اینکه پس از اینکه ناصرالدین شاه بر اثر مخالفت مردم با قرارداد معروف به رژی (۱) و پشتیبانی مؤثر پیشوایان دینی از مخالفان ، ناچار به لغو قرارداد انحصار تنباکوشد بنا بر تعهدی که به پیشوایان دینی سپرده بود ناچار شد خارجیان را که در کارهای مهم دخالت داشتند مزول کند و یکی از آنها کنت دو مونت فرت بود که پس از سیزده سال وزارت نظمیّه ، عزل و کارش به محمد ابراهیم خان معاون الدوله سپرده شد .

۱ - مائور جerald تالبوت که از دوستان نزدیک لرد سالزبوری نخست وزیر وقت دولت انگلستان بود به تجریک و راهنمای او ، درصدد کسب امتیاز انحصار تنباکو در ایران برآمد ؛ ووقتی ناصرالدین شاه در سفر سوم خود به اروپا ، به انگلستان رسید تالبوت فرصت را غنیمت شمرد و پس از جلب موافقت میرزا علی اصغر خان اتابک و اعتماد السلطنه شاه را با نزدیکانش به خانه خویش دعوت کرد و مجلسی شاهانه آراست . این پذیرایی که با خدمتگری لوندانه دختر جوان و زیبای تالبوت گرمی به کمال یافته بود چنان پسند ناصرالدین شاه افتاد که در همان مجلس به نشان نوازشگری تصویری از آن دختر کشید و به او داد ؛ و تالبوت بدین افسون و نیرنگ شاه را به واگذاری امتیاز انحصار تنباکو به مدت پنجاه سال رضا کرد .

کنت در زمان «ناصرالدین شاه» منصب امیر تومانی داشت و سالی سه هزار تومان حقوق و سهم علیق این منصب را می گرفت. پس از استقرار مشروطیت دولت به منظور تعدیل درآمد و هزینه، به حذف یا کاهش حقوق و مقرری حاشیه نشینان و از کار افتادگان پرداخت. حقوق «کنت مونت فورت» نیز به نصف کاهش یافت و در معاش خلی پدید آمد. به اولیای امور شکوها کرد. جوابش ندادند. ناچار دست به دامان سفیر اتریش زد. او ضمن نامه‌ای که به مشیرالدوله وزیر خارجه نوشت خدمنهای طولانی و پرائرکنت را یاد کرد و از وی خواست موجبات ترمیم حقوق کنت را به میزان اول فراهم آورد. مشیرالدوله رونوشت نامه سفیر اتریش را با نظر موافق به مجلس فرستاد، اما پذیرفته نیامد.

سفیر اتریش چون از این راه مراد نیافت به شاه متوسل گردید. محمد علی شاه دستور داد حقوق کنت را به قرار اول بپردازند. فرمان بردند و حقوق سالیانه کنت دگر بار سه هزار تومان معین شد و در زندگیش گشایش پدید آمد.

کنت تا زمان خلع محمد علی شاه به کارهای کوچک اشتغال داشت. در سال ۱۳۳۵ هجری برابر ۱۹۱۶ میلادی درگذشت و جسدش در دولاب به خاک سپرده شد.

←

تالبوت پس از بازگشتن شاه، ناشناخته به ایران آمد و پنهان از نظر مردم در سفارت انگلیس منزل گزید و به دید و بازدیدهای محرمانه و تهیه وسایل کار پرداخت امین السلطان که متن امتیازنامه را پیش از ورود تالبوت به ایران نوشته بود با بیست و پنج هزار لیره که وی داده بود به شاه تقدیم داشت (هر لیره در آن زمان ۳۷ قران می‌ارزید) و قرارداد روز پنجشنبه ۲۸ رجب ۱۳۰۷ قمری برابر بیستم مارس ۱۸۹۰ مسیحی به امضاء رسید و امین السلطان و کامران میرزا نایب السلطنه و چند تن دیگر از درباریان متنفذ و مؤثر در این معامله نیز چهار صد هزار تومان به رشوت گرفتند.

کارگذاران تالبوت در محل باع ایلخانی که خانه محمود خان کلانتر تهران بود (محل محلی که اکنون خزانه‌داری بانک ملی است) بنایی استوار ساختند و به کار پرداختند. اما بر اثر مبارزه جدی مردم کارشان پریشان شد و حمایت شاه و اتابک از تالبوت نه تنها مؤثر نیفتاد بلکه مردم را در مبارزه مصمم تر کرد. چنانکه روزی که یک بازرگان اصفهانی را به تحویل دادن تنها کوهایش به کارگذاران صاحب امتیاز ناچار کردند و بر او سخت گرفتند او بیست و چهار ساعت مهلت گرفت و پیش از پایان یافتن این مدت دوازده هزار کیسه تنباکو را که برای صادر کردن به خارج و مصرف داخل آماده کرده بود به آتش سوزاند.

اندک اندک کار مبارزه بالا گرفت و حمایت مؤثر پیشوایان دینی سامرا و نجف و روحانیان مقیم ایران که منجر به تحریم استعمال تنباکو شد شاه را ناچار به لغو امتیاز کرد و قرارداد مشروط به پرداخت غرامت، روز هفتم رمضان ۱۳۰۹ باطل گردید. مبلغ خسارت پانصد هزار لیره انگلیسی معین و دولت به پرداخت آن باریج پنج درصد به مدت چهل سال، متعهد شد. اما پس از مدتی دولت انگلیس به جهانی که شرح آن در اینجا زائد است، به منظور پرداخت غرامت وامی به ایران داد و گفتنی است که این اولین استقراض ایران از دولتهای بیگانه است.

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم این غلام جان نثار از ابتدای ورود خود در ایران همواره از فرط و فزونی مرحام اقدس ملوکانه مورد الطاف بلاانقطاع قبله عالم ارواحنا فداء بوده که فی الحقیقه زبان در مقام شکر و سپاس آنها بر نمی آید و لال است. از آنجائی که قبل از دو سال دستخط آفتاب نقط اقدس همایونی صادر شده بود که کنترات این غلام برای پنج سال تجدید شود عقیده این غلام جان نثار این است که بعد از شانزده سال خدمت گزاری دولت ابد مدت گویا محتاج کنترات نباشد از آنجائیکه این دولت را مثل وطن ثانی خود می داند و حامی و پناه از تفضلات و مبدول از کرم و عنایت کامله ملوکانه است از این جهت به جسارت عرض این عریضه عبودیت فریضه ورزیده و حقیرانه استدعا می نماید به جناب صدر اعظم امر و مقرر شود عوض تجدید کنترات این غلام يك فرمانی در حق این غلام مرحمت شود که این غلام و غلام زاده ها مثل چاکران حقیقی و غلامان عبدی این دولت ابد مدت شناخته باشیم که همواره در ظل مرحام و الطاف اقدس ملوکانه مشغول خدمت گذاری و جان فشانی خود باشیم امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع .

آنتونیو کنت دومونت فورت (امضاء به خط فرانسوی است.)

شاه بر حاشیه بالای عریضه چنین فرمان داده است :

هو جناب صدر اعظم نظم الملک و اولادش تمام رعیت دولت ایران و محتاج به تجدید قراردادنامه نیستند باید خدمت کنند قراردادنامه لازم نیست قدغن کنید مواجب او را موافق معمول همه ساله برات صادر کرده بدهند. قرار نامه لازم نیست. جیره او را هم محلی پیدا کرده بدهند که آسوده باشد. فرمانی هم صادر نمائید که خود و اولادش رعیت دولت و جزء نوکرها هستند. صحیح است .

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم پنج سال قبل از این در زمان علیین آشیان رضوان مکان شاه شهید وقتی که این غلام جان نثار از ریاست وزیر نظمیہ معزول گردید در وجوهات اداره نظمیہ بعضی اغتشاش از جهت مبالغ گزافی که حضرت والا آقای نایب السلطنه از بودجه پولیس کسر می کردند و از مخارجات فوق العاده که به حکم معزی الیه کرده حاصل شده بود این بود که به حکم حضرت والا مجبوراً سه فقره قرض یکی به ضمانت جناب امین السلطان در بانک شاهنشاهی و دو فقره دیگر یکی در بانک روس و دیگری پیش وکیل الدوله کرمانشاه بضمانت حضرت والا کرده که نقسی وجوهات اداره را منتظم سازد . بعد از معزولی این غلام اعلی حضرت شاه شهید برای اصلاح این سه فقره قروض باغیکه واقع است روبروی خانه این غلام مرحمت فرمودند و امر و مقرر داشتند مجلس دارالشورا بریاست جناب امین الدوله تشکیل یافته که این عمل قروض را رسیدگی نمایند . بعد از تجسسات و تحقیقات معلوم گردید که این قروض ربط و دخلی بحال این غلام جان نثار ندارد و جناب امین الدوله بحضورت والا آقای نایب السلطنه در همان مجلس اظهار داشتند که این عمل راجع به حضرت والا است و یا حضرت والا یا دولت علیه باید قراری در اصلاح آنها بدهند. حضرت والا شکایت نامه این

غلام را برداشته فرمودند که خودشان عمل را قطع خواهند نمود. حال پنج سال است که این قمره قروض همبیطور مانده است زمین ، و جز اینکه یکسال قبل جناب امین السلطان باغ مزبور را خریداری نموده قرض بانک شاهنشاهی را بدون ملاحظه سایر قروض اصلاً فرعاً پرداخته قراری در ادای ماباقی قروض داده نشده. است کراً این غلام جان نثار در خاکپای اعلیحضرت شاهنشاه شهید مصدع گردید کراً دستخط اکید در اصلاح این عمل فرمودند ولی همواره بعهده تمویق و تأخیر افتاد. از این جهت عاجزانه از خاکپای معدلت پیرای اقدس همایون شاهنشاهی در مقام عرض و استدعا بر می آید از انصاف مهر انصاف شاهنشاهی مسئلت می کند امر و مقرر فرمایند این عمل مجدداً تحقیق شود یا اینست که حضرت والا آقای نایب السلطنه از عهده مطالبات این غلام بر آیند که ما باقی قروض را بپردازم یا اینکه اسناد امضای غلام را مسترد بدارند یا این است اگر رای جهان آرای اقدس ملوکانه اقتضا فرمایند مجلسی انترناسیونال مشتمل از ایرانی و فرنگی تعیین شود این عمل را بدقت رسیدگی کرده به اختیار این مجلس فتوا داده شود زیرا که خلاق عدالت و انصاف است که بعد از هجده سال خدمتگزاری و جان فشانی محض خاطر این قروض مفتضح و مفلوک بمانم . تا رای جهان آرای ملوکانه چه اقتضا فرمایند. الامر الاشراف الاقدس العلی مطاع مطاع مطاع .

کنت دو مونت فرت (امضاء به خط لاتین)

دستوری که مظفرالدین شاه بر روی پاکت صادر کرده است :

مشیرالدوله این قمره را وزیر دربار در مجلس طرح نموده با حضور وزرا رسیدگی و قرار حقانیت نظم الملک داده شود و بمرض برساند تا ثانیاً حکم آن بشود . صحیح است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ابوالقاسم حبیب الهی نوید
استاد دانشگاه مشهد

در پاسخ رباعی

از روح پس از مرگ اثری هست که هست . . .

گفتی که بقای روح بر حق باشد ای کاش که این گفته محقق باشد
در آتش دوزخ از بسوزی دائم صد بار به از فنای مطلق باشد

تیرماه ۱۳۵۱